

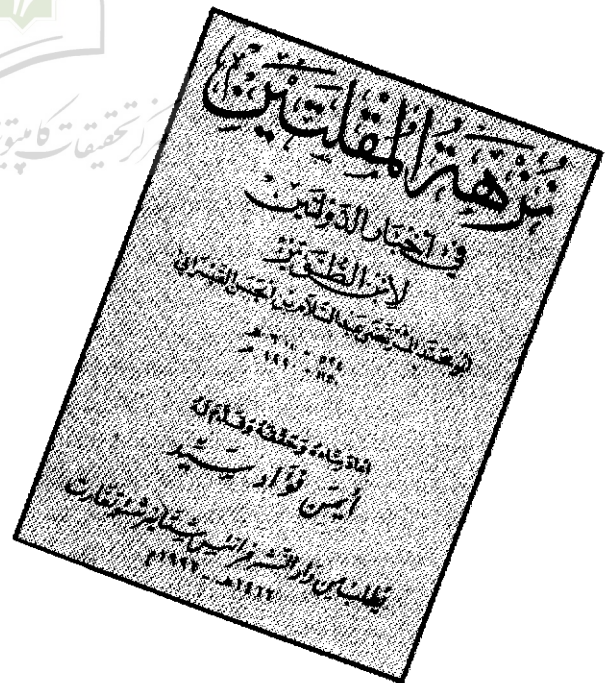
نزّهة المقلّتين

اهمیت آن در تدوین تاریخ فاطمیان

دکتر ایمن فؤاد سید / ترجمه اسماعیل باغستانی

اهتمام من به پژوهش در باب حکومت فاطمیان، خاصه جنبه تاریخی آن، به هشت سال پیش باز می‌گردد که در طی آن شماری از متون تاریخی ویژه مصر فاطمی را از مسیحی و ابن میسر و ابن مأمون منتشر ساختم، به علاوه پاره‌ای از مطالعات ویژه که درباره تاریخ فاطمیان در مصر و یمن و هم در مورد پیشرفت دعوت نخستین اسماعیلیان و نیز در باب منابع تاریخ فاطمیان انجام دادم. پایان این مرحله رساله دکتری دولتی ام بود که تحت عنوان «پایتخت مصر در عهد فاطمیان (قاهره و فسطاط)» کوششی در راستای بازسازی نقشه آن» به دانشگاه سوربن تقدیم داشتم. در پیشگفتارهای این کتاب‌ها، تألیفاتی را که در روزگار فاطمیان نوشته شده و جز اندکی از این تألیفات را که اغلب هم از میان رفته‌اند، نمی‌نمایاند، بشرح معرفی کردم. خوشبختانه مؤلفان عهد واپسین پادشاهان مملوکی (بویژه نویری و ابن فرات و ابن دقماق و قلقشندی و مقریزی و ابوالمحاسن [ابن تغری بردی] و ابن ایاس) پاره‌های مطول و کاملی از این تألیفات را برای ما حفظ کرده‌اند که جز به مدد این مؤلفان از آنها اطلاع پیدا نمی‌کردیم. جبرتی در مطلع قرن نوزدهم می‌گوید: «مقریزی در تألیفات خود اسامی تاریخی‌هایی را آورده که جز در کتاب‌های وی این اسامی را نمی‌شنویم؛ نظیر تاریخ ابن ابی طی و مسیحی و ابن مأمون و ابن زولاق و قضاعی».^۱

تمام پژوهش‌های متعلق به تاریخ فاطمیان و آیین‌ها و رسوم



نزّهة المقلّتين فی اخبار الدولتين، لابن الطّویر، محقق و مصحح
دکتر ایمن فؤاد سید، دارالنشر فرانسیس شتایز شتوتگارت،
۱۴۱۲هـ، ۱۹۹۲م.

۱. الجبرتی، عجائب الآثار فی التراجم والاخبار (بوق ۱۲۹۷) ج ۱، ص ۶.

دربار ایشان در مصر متکی به نوشته های این واپسین مورخان و پاره ای از نوشته هایی است که از روزگاران فاطمی و ایوبی به دست ما رسیده اند؛ همچون تألیفات ابن صیرفی و عماره یمنی و ابن ظافر و ابن اثیر و ابن مسیر و ابوشامه. پژوهندگانی که آیین ها و رسوم دربار فاطمیان را مورد مطالعه قرار داده اند، برای شناخت منابع مؤلفان عهد ممالیک که این پژوهش ها بر آنها متکی است، به ویژه قلقشندی و مقریزی و ابوالمحاسن [ابن تغری بردی] و هم در جهت جستجوی منابع درجه اول از میان این منابع و شناخت مقطع زمانی ای که در طی آن تدوین شده اند، به منظور تعیین عصری که آنچه این مؤلفان آورده اند، خاصه اطلاعات مربوط به رسوم و آیین ها، تلاشی مبذول نداشته اند، چندان که مؤلفان عهد پادشاهان مملوکی درباره رخدادهایی کتاب نوشته اند که با زمان وقوع آنها سه تا پنج قرن فاصله داشته اند. بیشتر مطالعات جدید متضمن داوری های عامی است در باب تاریخ رسوم و آیین های دربار فاطمیان، اما عاری از تلاش در جهت پی گیری تحول این رسوم و آیین ها در امتداد دو سده عمر دولت فاطمیان در مصر. پیش از این در مقدمه بخش مخصوص ممالیک مصر و شام و حجاز و یمن از کتاب «مسالك الابصار» نوشته ابن فضل الله عمري، هنگام پژوهش در باب آیین های دولت ممالیک در مصر، به این خطا اشاره کرده ام، و روشن کرده ام که آنچه قلقشندی و مقریزی و سیوطی در باب نظام دولت ممالیک می آورند، بتسامه بر روزگار ایشان منطبق نمی گردد، بلکه عبارت از توصیف این آیین ها است در عهد ممالیک نخستینی، خاصه عصر الناصر محمد بن قلاوون، که ابن فضل الله عمري کتاب خویش را، کتابی که این مؤلفان توصیفاتشان از آیین های ممالیک را از آن نقل کرده اند، بدو اهدا کرده است.^۲

بنابر این نوشتن تاریخ درست دولت فاطمیان و آیین ها و رسوم دربار آنان در مصر، در غیاب منابع مربوط به این دوره امکان پذیر نخواهد بود؛ جز از طریق آشنایی با این منابع و استخراج متون آنها از درون نوشته های واپسین مؤلفانی که تاریخ فاطمیان مصر را برای ما ثبت کرده اند.^۳ در حقیقت تاریخ فاطمیان بر اساس آنچه مورخان دو قرن هشتم و نهم هجری ثبت و ضبط کرده اند، جز در چند مورد استثنایی، دیدگاه یا نقطه نظر این مورخان را در باب تاریخ این دودمان نمی نمایاند؛ زیرا این مورخان داده های منابعی را که به آنها استناد و اعتماد کرده اند (که تماماً هم منابعی اصلیند و به روزگار فاطمیان باز می گردند) به نقد و تحلیل نکشیده اند و تنها بسنده کرده اند - و چه خوب کرده اند - به نقل کلمه به کلمه این متون با حفظ امانت کامل؛ کاری که به ما این امکان را می دهد تا این نوشته هایی را که اصلشان از میان رفته است، بازسازی

کنیم. وقتی در کارهای مقریزی که تنها مؤلفی است که در کتابش «خطط» به یادکرد منابع معلومات خویش اعتنا ورزیده است، به رغم آن که این شیوه را در دیگر نوشته های خود فرو نهاده، دقت و تفحص می کنیم^۴، درمی یابیم که وی در آنچه مربوط می شود به پنجاه ساله نخستین خلافت فاطمیان در مصر، بر دو مورخ اعتماد و استناد می کند: ابن زولاق و مسبحی، و در باب تاریخ فاطمیان در سده پنجم هجری به کتاب های «الذخائر و التحف» و «سیرة الوزير الیازوری» و «تاریخ قضاعی» تکیه می نماید، به علاوه پاره ای از منابع متأخر، خصوصاً «تاریخ ابن میسر». اما در آنچه با تاریخ فاطمیان در سده ششم ارتباط می یابد، افزون بر «تاریخ ابن میسر» به «تاریخ ابن المأمون» و «تاریخ ابن الطویر» و نوشته های ابن الصیرفی و «متجددات القاضی الفاضل» نیز استناد می جوید. «تاریخ ابن المأمون» و دو کتاب «الذخائر و التحف» مجهول المؤلف و «نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین» نوشته ابن الطویر مهم ترین منابعی اند که مقریزی و قلقشندی و ابوالمحاسن [ابن تغری بردی] هنگام توصیف آیین ها و رسوم دربار فاطمیان به آنها استناد می کنند. چند سالی است که طرح نشر این متون پراکنده مربوط به فاطمیان را از میان نوشته های مورخان متأخر آغاز کرده ام؛ بدین گونه که به سال ۱۹۸۱ «نصوصاً ضائعة من اخبار مصر» از مسبحی و به سال ۱۹۸۳ متن های بازمانده از ابن مأمون خاصه آنچه مربوط می شد به مقطع خلافت الأمر بأحكام الله و وزارت مأمون بطانحی و توصیف رسوم دربار و مراسمی که در روزگار این خلیفه انجام می پذیرفت، منتشر کردم و در پیشگفتار این کتاب وعده کردم که در پی آن متن های بازمانده از ابن الطویر و «الذخائر و التحف» را

۲. ابن فضل الله العمري، مسالك الابصار فی ممالک الامصار، ممالک مصر والشام والحجاز واليمن، تحقیق فؤاد سید، مطبوعات المعهد العلمی الفرنسي للآثار الشرقيه بالقاهرة، ۱۹۸۵، ۲.
۳. در اینجا باید بر اهمیت نشر منابع مربوط به تاریخ مصر در عصر اسلامی تأکید کنیم. کتابت تاریخی کامل و درست در باب مصر اسلامی در غیاب چاپ های محققانه ای از مصادر و منابع این تاریخ ناممکن است. مرحله تألیف جز پس از فراهم آمدن منابع اصلی و تحقق و نشر آنها فرامی رسد. پژوهندگان مصری در زمینه تاریخ اسلام از اقدام به نشر منابع این میراث سرباز می زنند؛ به این دلیل که لجنه های ترفیع درجه استادان دانشگاه پژوهش در باب متون و نشر آنها را کاری درجه دوم محسوب می دارند، در حالی که پژوهش و نشر متون باب واسعی است که از طریق آن پژوهنده با آثار عربی آشنا می شود و بدین وسیله شناخت و آگاهی گسترده ای در زمینه ادبیات و علوم عربی و اسلامی کسب می کند.
۴. در باب آنچه در مورد منابع مقریزی و امانت وی در نقل یا اهمالش در ذکر مأخذش، رجوع کنید به مقدمه های «اخبار مصر» از مسبحی و ابن میسر و «مسالك الابصار» از عمري.

انتشار دهم. اینک می‌خواهم به وعده خود وفا کنم و متن‌های بازمانده از ابن الطویر را که اختصاص دارد به تاریخ و آیین‌ها و رسوم دربار دولت فاطمیان در قرن ششم هجری، تقدیم دارم.

نزّه المقلّتین و مؤلف آن

کتاب «نزّه المقلّتین» نوشته ابن الطویر از نادرترین نوشته‌هایی است که به موضوع آیین‌های حکومت و رسوم دارالخلافه فاطمیان در مصر پرداخته است، اگر نگوییم تنها کتاب در این موضوع، نوشته‌های مرتبط با فاطمیان که در دو سده چهارم و پنجم / دهم و یازدهم نوشته شده‌اند، نظیر مؤلفات ابن زولاق و مسبّحی و قضاعی، موضوعات خالص تاریخی را به بررسی می‌کنند و گاه در سیاق عرضه داشت رخدادها، مواکب خلیفه یا مجالس او را در قصر و صف می‌کنند.

هرچند ما از آیین‌های فاطمیان و رسوم دربار ایشان در مرحله آفریقایی حکومتشان چیز زیادی نمی‌دانیم،^۵ در مقابل، در باب مراسم و مواکب رسمی این خلیفگان به صورتی که در نیمه نخست قرن ششم هجری و بی‌گمان به دنبال شکل‌گیری و تحول‌کند و تدریجی سنت‌های این مراسم و آیین‌های مربوط به آنها از هنگام انتقال فاطمیان به مشرق اجرا می‌شد، توصیفات مفصّلی در اختیار داریم. چنین توصیفات را که اساساً در نزد سه نویسنده سده نهم هجری / پانزدهم میلادی یعنی قلقشندی و مقریزی و ابوالمحاسن (ابن تغری بردی) باید جست، سزاوار اطمینان کامل‌اند؛ زیرا بر منابع درجه اولی اعتماد دارند که متعلق‌اند به روزگار فاطمیان یا آغاز روزگار ایوبیان.

مشکله بنیادهای اصلی این آیین‌ها، آن‌چنان که ماریوس کانار می‌گوید، سخت پیچیده است.^۶ باید تأکید کنیم که فاطمیان - رقبای عباسیان - سنت‌های مربوط به مراسم دربار خلفای عباسی را که به نوبه خود از سنت‌های مراسم دربار ساسانیان اقتباس شده بود، مورد تقلید قرار دادند و آنها را تا حد کمال رشد دادند و در این کار از عباسیان فراتر رفتند. همچنین بعید نیست که فاطمیان خواسته باشند شماری از مراسم بیزانس را در راستای رقابت با شوکت و عظمت دربار امپراتور بیزانس تقلید نمایند؛ چنان‌که عباسیان نیز بی‌گمان همین کار را کرده بودند. اما با این وجود نباید فراموش کنیم که فاطمیان از طریق شماری از نظامات و حکومت‌های متوالی و ارثان فرعونان و بطلمیوسی‌ان بودند. از همین رو ما دست کم در آنچه به مراسم و آیین‌های ملی مربوط می‌شود، می‌باید برای شمار زیادی از ویژگی‌های این آیین‌ها و مراسم به دنبال اصل و ریشه‌ای محلی باشیم.

ماریوس کانار M. Canard، با مقایسه «کتاب الاحتفالات»

قسطنطین هفتم پورفیرو ژنیت،^۷ با اوصافی که مقریزی و قلقشندی آورده‌اند، شباهت زیادی میان آیین‌های کاخ و شکوه و عظمت دربار و علائم و نشانه‌های دولت و مواکب و مراسم استقبال و اعیاد گونه‌گون هریک از این دولت‌ها در مقطع زمانی نسبتاً نزدیک به هم مشاهده کرده است؛ زیرا رسوم دربار بیزانس در دو قرن سوم و چهارم / نهم و دهم چیزی نیست به جز استمرار حالت پیشین که بی‌هیچ دگرگونی قابل‌ذکری تا هنگام جنگ‌های صلیبی دوام یافته بود،^۸ کما این که رسوم دربار فاطمیان که در سده ششم / دوازدهم به اوج شکوفایی خود رسیده بود، در آغاز دولت فاطمی به صورتی بسیار ساده‌تر از روزگار پایان این دولت جلوه می‌نماید.

آیین‌ها و رسوم دربار از جمله موضوعاتی‌اند که در طول عمر یک دولت تارسیدن آن به مرحله ثبات و استقرار و اوج شکوفایی بیش از هر چیز دیگر در معرض تبدیل و تغییرند. بنابراین اگر «تاریخ ابن مأمون» جزئیات جشن‌هایی را عرضه می‌کند که در عصر خلیفه آمر و خاصه در طی سال‌های ۵۱۶، ۵۱۷ و ۵۱۸ رواج داشته است، از جمله انواع خوردنی‌هایی که در سفره‌ها نهاده می‌شده و خلعت‌ها و جامه‌هایی که خلیفه به رجال دولت و ارباب مقامات می‌بخشیده است، در عوض «تاریخ ابن الطویر» برای ترتیب این سفره‌ها و جشن‌های موبکی که این خوردنی‌ها و جامه‌ها در طی آنها عرضه و بخشیده می‌شده، تنها به ارائه وصف واحدی اکتفا می‌کند.

*

نوشته‌های مربوط به فاطمیان که پیش از کتاب ابن الطویر تألیف یافته‌اند، همچون کتاب ابن الطویر، اغلب از میان رفته‌اند؛^۹ کتاب‌هایی نظیر مؤلفات ابن زولاق و قضاعی و «سیره المستنصر» و «سیره الیازوری» و بقیه کتاب مسبّحی و ...، چنان‌که خود کتاب ابن الطویر هم مفقود شده است، و آنچه از این کتاب‌ها برایمان بازمانده، عبارت است از پاره‌ای از «تاریخ مسبّحی» و

۵. در باب آیین‌های حکومت در دولت فاطمی در مغرب ر. ک.:

Dachraoui, F., Le Califat fatimide au Maghreb 296-362/908-973- Histoire politique et institutions, Tunis STD 1981, pp. 277-422.

6. Canard, M., "Le c'er'emonial fatimide et le c'er'emonial byzantin essai de comparaison", Byzantion XXI (1951), p.356.

7. Constantin VII Porphyrogénète, Le Livre des c'er'emonies, 1-2, texte établi et traduit par Albert Vogt, Paris, 1935-39.

8. Canard, M., op. cit., p.356.

۹. ر. ک.: مقاله نویسنده «دراسة نقدیه لمصادر تاریخ الفاطمیین فی مصر»، در دراسات عربیه و اسلامیه مهداة الی ابی فهر محمود محمد شاکر، القاهرة، ۱۹۸۲، ص ۱۲۹-۱۷۹.

کتاب «مواد البیان» از علی بن خلف و تألیفات ابن صیرفی و عماره یمنی و أسامة بن مُنقذ. این کتاب ها هیچ کدام به اندازه کتاب ابن الطویر واجد اطلاعات نیستند. ابن الطویر در ارائه توصیفی تفصیلی و کامل از ترتیب جشن ها و مواکبی که پایتخت های مصر (قاهره و فسطاط)، خاصه در نیمه نخست قرن ششم / دوازدهم شاهد آن بوده اند، منحصر به فرد است. وقتی در قبال مسئله از میان رفتن کتاب ابن الطویر قرار می گیریم، برای صورتبندی ایده واقعی در باب مضمون و محتوای آن جز یک راه پیش رو نداریم و آن عبارت است از پژوهیدن و بررسییدن ماده ای که مؤلفانی که اغلب مواد کتاب وی را نقل کرده اند، برای ما حفظ کرده اند.

*

ابن الطویر در باب حوادث نیمه نخست سده ششم / دوازدهم تا دستیابی ایوبیان بر دستگاه قدرت در مصر به سال ۵۶۷ / ۱۰۷۱ م، روایت به نسبت مشروحی می آورد؛ در عین حال که به طور روشمند و گسترده آیین های دولت زوال یافته فاطمی را آنچنان عرضه می کند که حکام جدید مصر می بایست از طریق نوشته او از آنها اطلاع یابند، و بی شک معنای عنوان کتابش «نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین» همین است.

موضوعاتی که کتاب ابن الطویر دربر می گیرد، چنان که از خلال منقولات متأخران از او دانسته می شود، موضوعات سه گانه ذیل اند: «تاریخ» و «آیین ها» و «رسوم». کتاب ابن الطویر از جمله منابعی است که کسانی چون ابن خلدون و ابن الفرات و مقریزی و ابوالمحاسن (ابن تغری بردی)، خاصه در آنچه به «تاریخ فاطمیان متأخر» ربط پیدا می کند، بر آن اعتماد می ورزند. اگر بتوانیم روایات تاریخی ای را که ابن الفرات و ابوالمحاسن از او نقل کرده اند، مشخص سازیم، در باب کتاب ابن خلدون این کار میسر نیست. ابن خلدون یادآور می شود که «اخبار فاطمیان را به طور ملخص از کتاب ابن اثیر و تاریخ دولت آنان نوشته ابن الطویر و اندکی از مسبّحی» نقل می کند.^{۱۰} ابن خلدون فقط در چند جا به متن هایی اشاره می کند که از ابن اثیر نقل کرده، اما به آنچه از مسبّحی یا ابن الطویر نقل کرده است، مطلقاً اشاره ای نمی کند.

ابن الطویر تفصیلات تاریخی گسترده ای آورده که نظیر آنها را در نزد دیگر مورخان نمی یابیم و مقریزی بدون یادکرد مأخذش آنها را در «اتعاظ الحنفاء» آورده است. مقایسه این معلومات با «تاریخ ابن الفرات» که منقولات تاریخی مطولی را با امانت تمام از ابن الطویر نقل کرده، منبع و مأخذ این معلوماتی را که مقریزی در «الاتعاظ» آورد، مشخص می دارد. موضوع دومی که کتاب ابن الطویر دربر دارد، عبارت است از «نظام اداری دولت فاطمیان»

خاصه در پنجاه ساله اخیر تاریخشان. وی به ترتیب دو اولین گوناگون دولت فاطمی و کارگزاران آنها و مهم ترین خزائن و انبارهای آنان و کسانی که بر آنها اشراف داشتند و موجب آنان و طبقه ای که بدان منتسب بودند (آیا از طبقه شمشیرداران بودند یا از طبقه کاتبان و ارباب قلم و یا از ارباب عمامه؟) اشاره می کند، مخصوصاً که خود وی ریاست «دیوان رواتب» را در اواخر عصر فاطمیان بر عهده داشت. اما مهم ترین موضوعات کتاب ابن الطویر که در میان منابع و مأخذ تاریخ فاطمیان بدان این مایه عظمت بخشیده، فصل پنجم آن است که مشتمل است بر مطالبی چون «سوار شدن خلیفه در موکب های بزرگ» که وی در طی آن به تفصیل تمهیدات این مواکب و ابزارها و وسایل همراه موکب ها و چگونگی رکوب خلیفه و همراهانش و کیفیت جلو افتادن آنها در مسیر و راهی که موکب ها در رفتن و بازگشتن از آن عبور می کردند و غیر از این ها تفصیلات دقیقی که ابن الطویر منحصرأ نقل کرده است، و نیز فصل دهم آن که در طی آن به وصف «مجالس خلیفه در قصر» پرداخته و در آن تفصیلات پرباری در باب ترتیب جلوس ها و آداب آنها و کسانی که این آیین ها و رسم ها را در قصر انجام می دادند، و خوان هایی که در تالار زرین (قاعة الذهب) در ماه رمضان و عیدین گسترده می شد، عرضه کرده است. در خلال این مطالب توصیف دقیقی هم از ترتیب قاعة الذهب و ایوان کبیر و دهلیزهای درازی که دروازه های قصر را به تالارهای مختلف و آستان داخلی آن می پیوست، ارائه می نماید که به بازسازی توپوگرافیک داخلی بخشی از قصر فاطمی یاری می رساند.

نویسنده کتاب

قاضی مرتضی ابو محمد عبدالسلام بن الحسن بن عبدالسلام بن علی^{۱۱} بن احمد الفهری، قیسرانی الاصل است و زاده و متوطن در مصر، قاضی عدل و نویسنده معروف به ابن الطویر. تا همین دوران جدید به طور دقیق نمی دانستیم که ابن الطویر در چه زمانی می زیسته است و در بین کتاب های تراجم و طبقات چاپ شده در دسترسمان هم شرح حالی از وی نیامده بود. تا آن که کتاب

۱۰. ابن خلدون، العبر و دیوان المبتدأ والخبر، بولاق، ۱۲۸۴، ج ۴، ص ۸۲.
 ۱۱. المنذری، التکمله لوفیات النقلة، ج ۳، ص ۸۷؛ الذهبی، تاریخ الاسلام، الطبقة الثانیة والستون، ص ۲۱۶؛ الصفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۸، ص ۴۱۷ و ۴۱۸ و نیز ر. ک:

Cahen, Cl., "Quelques chroniques anciennes relatives aux derniers Fatimides", BIFAO XXXVII (1937), pp. 10-14. id., El2., art. Ibn al-Tuwayr III, p.985; id., "L'historiographie arab: des origines au VII S.H.", Arabica XXXIII (1986), p.177-178.

ایمن فؤاد سید، دراسة نقدیه لمصادر تاریخ الفاطمیین فی مصر، ص ۱۶۲.

دولت فاطمی، و همین، مورخی چون ابوالمحاسن ابن تغری بردی را واداشته است تا آن را چنین وصف کند «شایسته ترین کتاب در باب اخبار فاطمیان و دیگران».^{۱۵}

تالیف این کتاب در عهد ایوبیان و بقای آن تا سده هفتم/پانزدهم شاید دلیلی باشد بر این که ایوبیان تعمدی در از بین بردن تمامی آثار فاطمیان نداشتند. عصر ایوبی گواه تالیف کتاب‌هایی است که دقیق ترین تفصیلات دربار و دواوین دولت فاطمی را توصیف می نمایند.

به نام کتاب ابن الطویر، جز کسانی که از حدود اواخر سده هشتم/چهاردهم از آن مطلب نقل کرده اند، اشارت نکرده اند. گاه از آن به عنوان «نزهة المقلتین فی اخبار (یا سیرة) الدولتین» (ابن الفرات و مقریزی و حاجی خلیفه) و گاهی به اسم «المقلتین فی اخبار الدولتین» (ابوالمحاسن ابن تغری بردی)، نام برده شده است، اما ابن خلدون و قلقشندی، نام آن را مطلقاً یاد نکرده اند.

نقل قول‌های متاخران از نزهة المقلتین

به رغم اهمیت فراوانی که «تاریخ ابن الطویر» برای تاریخ دولت فاطمیان در مصر دارد، در نزد مورخان دولت ممالیک نخستین، نامعروف یا دست کم نامتداول بوده است. ابن مسیر یا نویری یا ابن ابی‌کداوا اداری که تاریخ دولت فاطمیان را در مصر در عهد دولت نخستین ممالیک ثبت و ضبط کرده اند، هیچکدام به آن اشاره ندارند. وجود اندکی هم‌نویسی در ترتیب رخدادها میان این مورخان با متفولات حفظ شده از ابن الطویر در آثار مؤلفان متأخر دلیل بسنده‌ای نیست برای حکم به این که مورخان دو سده هفتم و هشتم کتاب ابن الطویر را می شناخته اند. لیکن با پایان گرفتن سده هشتم/چهاردهم نام ابن الطویر و کتابش «نزهة المقلتین» اندک اندک در نوشته‌های مورخانی که به تدوین تاریخ دولت فاطمیان دست زدند، رخ می نمایند. به رغم تأخر نسبی زمانی این مؤلفان از عهد دولت فاطمیان، معلومات مربوط به فاطمیان در نوشته‌های آنان ارزش خود را از استناد و اتکای آنها بر منابع اصلی این مقطع کسب می کند. در پیشاپیش این مؤلفان ابن الفرات و مقریزی و قلقشندی و ابوالمحاسن (ابن تغری بردی) قرار می گیرند و در مرتبه بعدی اهمیت، ابن خلدون و ابن الزیات.

۱۲. ابن دقماق، الانتصار، ج ۴، ص ۱۲.

۱۳. المخزومی، المنهاج فی علم الخراج مصر (مخ. موزة بریتانیا شماره Add, 23483) ورقة ۴۶ و. و این غیر از بخشی است که کلود کاهن نشر کرده است.

۱۴. ابوالمحاسن، النجوم الزاهرة، ج ۵، ص ۲۴۱.

۱۵. ابن الفرات، تاریخ الدول والملوک، ج ۴، ص ۱۳۵-۱۵۱ و المقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۴۳۹-۴۰۴ و اتعاظ الحنفا، ج ۳، ص ۳۳۵-۳۴۴.

«التلمکة لوفیات النقلة» از منذری نشر شد و پروفیسور کلودکاهن پیش از آن از طریق ذهبی و کتاب وی «تاریخ الاسلام» با شخصیت ابن الطویر آشنایی یافته بود. به این دو، شرح حال دیگری افزوده می شود که صفدی آن را در کتاب خود «الوافی بالوفیات» آورده است. بدین گونه اخبار راجع به ابن الطویر به صورت سه شرح حال بسیار کوتاه به دست ما رسیده است.^{۱۲} چیز زیادی درباره تولد و دوران نخستین حیات وی نمی دانیم، جز این که او در ذی الحجة سال پانصد و بیست و چهار در مصر زاده شده و چون به سنین جوانی رسیده به جرگه دیوانسالاران پیوسته و به خدمت در دیوان‌های دولت‌های فاطمی و ایوبی مشغول شده است، و در اواخر روزگار فاطمیان متولی «دیوان رواتب» گردیده است. ابن الطویر در سنین پنجاه سالگی در اسکندریه از حافظ ابوطاهر سلفی سماع حدیث کرد، یعنی حدود سال پانصد و هفتاد و پنج. وی شصت سال یا بیشتر به عنوان شاهد در محاکم آنجا حضور می یافت. ابن الطویر حافظ حدیث بود و حافظ زکی الدین منذری از او سماع حدیث کرد. در شب نیمه محرم سال ۶۱۷هـ/ ۲۳ مارس ۱۲۲۰م در حالی که نود و دو سال و بیست و هفت روز از عمرش می گذشت، با ذهن و ضمیری حاضر و آماده و صحت شنوایی و کتابتی خوش وفات یافت. وی در محله دار الانماط در فسطاط می زیست.^{۱۳} جدش، ابومحمد عبدالسلام یکی از عدول و صدور مصر بود که حافظ ابوطاهر سلفی از سوی وی می نوشت.

ابن الطویر به آن طبقه از نویسندگانی منسوب است که حکومت و ظیفة نظارت عالی بر دواوین اداری مصر را در عهد فاطمیان و ایوبیان بر عهده آنها نهاده بود؛ طبقه‌ای که ابن الصیرفی و قاضی مرتضی بن محنک و مخزومی و نابلسی و ابن ممامی و قاضی الفاضل نیز بدان منسوب بودند. ابن الصیرفی مانند مخزومی و قاضی الفاضل مذهب تسنن داشت و پیش از آن که به خدمت ایوبیان درآید، در دستگاه اداری فاطمیان بالیده بود.

ابن الطویر به مانند مخزومی که در دولت فاطمیان چندین بار عهده دار «دیوان مجلس» شده بود،^{۱۴} در اواخر روزگار این دولت متولی «دیوان رواتب» گردید.

بنا به قول ارجح، ابن الطویر کتاب خویش را به روزگار صلاح الدین ایوبی نوشت و قصدش از این کار چیزی نظیر برقرار کردن موازنه بود میان نظام دولت فاطمیان، که خود آن را به نیکی تجربه کرده بود، و نظام دولت ایوبی، و این نکته‌ای است که عنوان کتابش هم (... اخبار الدولتین) آن را روشن می دارد. اما آنچه غریب به نظر می آید این نکته است که در میان نقل قول‌هایی که از این کتاب به جا مانده هیچ نوع اشاره‌ای به آیین‌های دولت ایوبی نمی یابیم. تمام چیزی که به دست ما رسیده، مربوط می شود به

چنان که آثار خط و توفیق مقریزی نیز بر آن دیده می شود.^{۱۸} به رغم آن که ابن الفرات و ابوالمحاسن (ابن تغر بردی) و مقریزی در باب آنچه به مقطع زمانی خلافت عاضد ارتباط پیدا می کند، به ابن الطویر اشاره ای نمی کنند، معذک شواهدی وجود دارد که باعث می شود گمان کنیم آنان در آنچه به این مقطع مربوط می شود، دست کم تا سال ۵۶۴هـ / ۱۱۶۸م از وی تبعیت کرده اند. در اینجا میان ابن الفرات و مقریزی و ابوالمحاسن (ابن تغر بردی) و حتی ابن خلدون در شیوه تشریح و توضیح رخدادها نوعی اتفاق و یکسانی وجود دارد. ابن خلدون که اخبار دولت فاطمیان را در مصر به اختصار آورده، بر سه کتاب اساسی ذیل اعتماد کرده است: تاریخ مسیحی برای آغازین مرحله و دو تاریخ ابن اثیر و ابن الطویر برای مابقی تاریخ فاطمیان.^{۱۹} با وجود این که ابن خلدون جاهایی را که از ابن اثیر استفاده کرده، مشخص ساخته است، اما به مواضع اقتباس خویش از مسیحی یا ابن الطویر به صراحت اشاره نکرده است و با ایجازی محل به تلخیص این گزارش ها اکتفا نموده است.

ابن الفرات (ناصرالدین محمد بن عبدالرحیم متوفای سال ۸۰۷هـ / ۱۴۰۴م) در تاریخی که برای واپسین خلیفگان فاطمی نگاشته است، به منابع گونه گونه استناد کرده که غالباً امروزه در دست نیستند؛ خاصه تاریخ ابن الطویر و تاریخ یحیی بن ابی طی (به علاوه تاریخ ابن اثیر و تاریخ بیبرس الدوادار و تاریخ ابن خلکان). به رغم آنکه این منابع توسط مورخان دیگری نیز به کار گرفته شده اند، نقل قول ابن الفرات از آنها در مجموع از امانت بیشتری برخوردار است. و از طریق همین مورخان است که ابن الفرات در کتاب خود «تاریخ الدول و الملوك» اخبار دولت فاطمیان را در مصر در نیمه نخست قرن ششم / دوازدهم دنبال کرده است و از ابن الطویر و ابن ابی طی، پاره های ارزشمندی نقل کرده که آگاهی های او در مورد عصر دوم فاطمیان در آنها ریشه دارد. ابن الفرات از کتاب ابن الطویر فصلی را آورده که وی آن را پس از یادکرد سقوط دولت فاطمیان گشوده و در طی آن ملخصی جامع از آیین ها و رسوم دربار فاطمیان را درج کرده است. مقریزی هم این فصل را از قول ابن الطویر در «خطط» و «اتعاظ الحنفا» نقل کرده است.^{۱۶}

کهن ترین مطالبی که ابن الفرات از ابن الطویر نقل می کند، به نزدیکی های پایان وزارت افضل بن بدر جمالی باز می گردد، و به طور یکنواخت و پیوسته تا اثنای دستیابی رضوان بن ولخشی به وزارت به سال ۵۳۱هـ / ۱۱۳۶م ادامه می یابد. ولی پس از آن، خاصه در آنچه به تاریخ مصر مربوط می شود، متن منقول ابن الفرات در باب رخدادهای سال های پس از این سال شدیداً ناقص است. ابن الفرات سپس برمی گردد تا پاره ای از اخبار مرتبط با وزارت عادل بن سلار و مقتل خلیفه ظافر و بر سر کار آمدن وی و دستیابی وزیر طلائع بن رزیک به رأس هرم قدرت را از ابن الطویر نقل کند، مطالبی که از حیث تفصیلات چنان ممتازند که نظیر آنها را در دیگر منابع مربوط به تاریخ واپسین خلیفگان فاطمی جز منابعی که از ابن الطویر نقل کرده اند نمی یابیم.

اما مطالب مرتبط با سر آغاز مداخلات بیگانگان در امور مصر را، و آنچه را پس از به وزارت رسیدن شاور رخ داد و به سرعت به سقوط فاطمیان و بازگشت مصر به قلب عالم اسلام سنی انجامید، ابن الفرات از «جزوه کوچک مجهول المؤلفی که نویسنده اش آن را اخبار الدولة المصرية و ماجری بین الملوك و الخلفاء من الفتن والحروب من ایام الامرالی ایام شیرکوه نامیده است» نقل کرده. مقریزی هم این قسمت را به طور ملخص در خطط [۲: ۱۲-۱۳] و متن کامل آن را در اتعاظ [۳: ۲۶۴-۲۷۱] مستقیماً یا به طور غیر مستقیم آورده است،^{۱۷} و به ظن اغلب مقریزی این متن را از ابن الفرات گرفته و از نسخه تاریخ ابن الفرات که اینک در کتابخانه وین نگهداری می شود، اطلاع داشته است؛

ابن الزیات (شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ناصرالدین الانصاری متوفای سال ۸۱۴هـ / ۱۴۱۱م) صاحب کتاب «الکواکب السیاره فی ترتیب الزیارة» در دو موضع از ابن الطویر مطلب نقل کرده است: نخست یادآور می شود که ابن الطویر نسب فاطمیان را در کتاب خود صحیح شمرده است،^{۲۰} و در مورد دوم این قصه را می آورد که مشوب است به خلیفه آمر: «ابن الطویر گوید: آمر شبی بیرون آمد و از کنار خانه ای گذشت و شنید که زنی به شوهرش می گوید: به خدا قسم با تو همبستر نخواهم شد، حتی اگر آمر با سی دینار از در درآید. آمر چون سخن آن زن را شنید، خادم خویش را به قصر فرستاد و او با صد دینار بازگشت. آمر در کوفت، مرد در را گشود و او وارد شد و به زن گفت: من آمر هستم؛ این صد دینار را به جای آن سی دینار بگیر و با شوهرت همبستر شو».^{۲۱} با این همه مهم ترین منقولات و متونی که به ما امکان بازسازی تاریخ ابن الطویر و تحقیق آن را می دهند، عبارت اند از منقولات

۱۶. کلود کاهن آن را نشر کرده است

Cahen, Cl., "Un récit inédit du vizirat de Dirghām", An. ISI. VIII (1969), pp.27-46.

۱۷. ابن الفرات، تاریخ، ج ۷، ص ۹۵-۹۶ و مطابق با صفحه ۱۵۱ نسخه چاپ شده.

۱۸. ابن خلدون، المعبر، ج ۴، ص ۸۲.

۱۹. ابن الزیات، الکواکب السیاره، ص ۱۷۶.

۲۰. همان، ص ۱۷۷.

۲۱. القلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشا، القاهرة، دارالکتب المصریه، ج ۳، ص ۴۶۸-۵۲۸.

مذکور، پژوهندگانی را که بر وی اعتماد ورزیده اند، به خطای عظیمی در افکنده است. از این رو که این پژوهندگان گمان برده اند ترتیب این جشن ها و گردهم آیی های موکب وار از زمان معز، نخستین خلیفه فاطمی در مصر بدین صورت شکل گرفته است. ۲۳ حال آنکه این خبط و خطایی است بزرگ. بدین سبب که این آیین ها و رسوم در طول زمان دچار یک سلسله دگرگونی ها و تغییرات شده اند تا سرانجام به شکلی درآمده اند که ابن الطویر در میانه سده ششم وصف و عرضه کرده است.

*

از آنچه گفته آمد، روشن می شود که «تاریخ ابن الطویر» برای ما کتابی ناشناخته نیست: بخش اعظمی از متن آن که توسط مقریزی و قلقشندی و ابوالمحاسن (ابن تغری بردی) نقل شده، منتشر گردیده است، اما به رغم شناخته بودن پاره هایی از این متن (بخش هایی از آن بیش از صد سالی است که شناخته شده است)، پژوهش های مربوط به فاطمیان، چنان که شایسته است از آن استفاده نکرده اند^{۲۴}، بلکه حتی پاره ای از این پژوهش ها به سبب پراکنده بودن این کتاب در میان منابع گونه گونه اصلاً متوجه وجود آن نبوده اند. به همین دلیل هم حکم های عامی در باب تاریخ فاطمیان صادر کرده اند. در حالی که آگاهی هایی که قلقشندی و مقریزی و ابوالمحاسن (ابن تغری بردی) آورده اند، جز درباره مقطعی کوتاه از تاریخ درازدامن فاطمیان صدق نمی کند. بنابراین کتاب ها و مطالعاتی که حول تاریخ فاطمیان شکل گرفته اند، هر ارزشی که داشته باشند، به سبب کمبود منابع در مجموع در پیوند با تنظیمات اداری و رسوم و جشن های آنان، نویدکننده هستند. به همین دلیل در بسیاری از موارد، بی آن که تشخیصی در میان باشد، به سراغ منابع و مآخذ ایوبی می روند که بسا برای بازسازی نظام های پیشین صلاحیت دارند، بی آن که ارزشی معادل ارزش منابع معاصر فاطمیان را واجد باشند. بی گمان در میان نظام های فاطمی و ایوبی عناصر مشترکی وجود دارند که حتی نزد ممالیک هم آنها را می یابیم؛ لیکن بی تردید در همان زمان در بخش اعظم این آیین ها و مشاغل اداری دگرگونی با سرعت و قدرت زیادی رخ داده است.

کامل و مطولتی که مورخان سده نهم/پانزدهم برای ما حفظ کرده اند: قلقشندی و مقریزی و ابوالمحاسن (ابن تغری بردی) و در رأس آنها منقولاتی که مقریزی در «خطط» آورده است.

کل این متون و منقولات، به استثنای پاره ای از متون تاریخی که مقریزی و ابوالمحاسن (ابن تغری بردی) نقل کرده اند، ویژه توصیف آیین ها و رسوم دربار فاطمیان، پیش از سقوط دولتشان در نیمه های قرن ششم است. بلکه حتی می توان گفت این متون و منقولات تنها متون و منقولاتی اند که جزئیات دقیق مواکب مربوط به جشن های فاطمیان و نحوه ترتیب مجالس و خوان های ایشان را که در مناسبت ها و موسم های گونه گونه گسترده می شد، بر ایمان و صف می کنند.

مقریزی در «خطط» فصل پنجم از کتاب ابن الطویر را که ویژه «سوار شدن فاطمیان در مواکب معظم» است، در بخشی از کتابش که به قاهره زمان فاطمیان اختصاص یافته به طور کامل نقل کرده است؛ چنان که بخش زیادی از فصل دهم را که ابن الطویر آن را به یادکرد نحوه جلوس عام فاطمیان اختصاص داده است، در کتاب خویش آورده است. از خلال آنچه مقریزی نقل و حفظ کرده در می یابیم که کتاب ابن الطویر از فصولی تشکیل شده بوده است که بسا شمار آنها از ده نیز درمی گذشته است. کما این که بیشترین مواد را هم که مقریزی در باب دواوین دولت فاطمیان و گونه ترتیب مشاغل در آنها و هم خزاین و انبارهای آنان ثبت و ضبط کرده، از ابن الطویر اخذ نموده است.

قلقشندی هم بخش عمده ای از مواد کتاب ابن الطویر را در جای جای فصلی که در «صبح الاعشی» برای «یادکرد ترتیب مملکت به روزگار خلیفگان فاطمی» گشوده، گنجایانده است.^{۲۲} قلقشندی به هنگام یادکرد وظایف استادان محنک و غیر محنک نیز همین شیوه را به کار بسته است. بدین گونه که این مطلب را از خلال ذکر ابن الطویر از کسانی که مرسوم بود در این مواکب یا در مجالس خلیفه همصحبیت او باشند، گزینش کرده است. بنابراین تمام ماده موجود در نزد قلقشندی در باب رسوم و دواوین فاطمیان، این رسوم و دواوین را در نزدیکی های پایان دولت آنان در نیمه نخست سده ششم/دوازدهم نشان می دهد.

با وجود علاقه شدید ابوالمحاسن ابن تغری بردی صاحب «النجوم الزاهرة» به ثبت دقیق منابع معلومات خویش، وی فصل مربوط به توصیف سوار شدن خلفا در مواکب بزرگ و خوان های طعامی را که در ماه رمضان و عیدین گسترده می شد [النجوم ۴: ۷۹-۱۰۲] از ابن الطویر گرفته، بی آن که به او و کتابش اشاره ای نماید. وی توصیف یاد شده را در پایان شرح حال خلیفه المعز لدین الله آورده و با این عبارت شروع کرده است: «معز کسی بود که آیینی را بنیاد نهاد» [النجوم ۴: ۷۹]. ابوالمحاسن با عبارت

۲۲. ماجد، عبدالمنعم، «اصل حفلات الفاطمیین فی مصر» و صحیفه المعهد المصری للدراسات الاسلامیه فی مدرید، ۱۹۵۴، ص ۲۵۳-۲۵۴.

۲۳. غیر از دو پژوهش انسترونزف و ماریوس کاتار در باب «گردهم آیی سوار شدن اول سال در نزد فاطمیان».

۲۴. المقریزی، اعطاء، ج ۳، ص ۱۱۲، به علاوه دو موضع در جلد اول، ص ۱۱۳ و ۲۳۵ که به عصر معز برمی گردد، اما این دلیل کافی نیست برای این که قائل شویم ابن الطویر تاریخ کاملی در باب فاطمیان نوشته است.

بدین گونه گرد آمدن پاره‌های این متن و نشر آن به صورتی عالمانه با اتکا بر دست نوشته‌های تازه، قابلیت آن را دارد که شمار زیادی از اغلاط و خطاهایی را که در چاپ سقیم «خطط» راه یافته، خاصه در مورد مصطلحات و نام‌های ممکنه، به صواب آورد، و نیز در بازخوانی و از سرگیری مطالعه این مقطع با اعتماد بر منابع هم‌روزگار فاطمیان و بی‌آن که میان این منابع و منابع مختلف دیگر خلطی صورت گیرد، به ما مدد می‌رساند، و این چیزی است که ما را در ترسیم تصویری صادقانه از آیین‌ها و رسوم در مقاطع گونه‌گون تاریخ فاطمیان و نیز رخدادهای تاریخی، آن چنان که در نوشته‌های مورخان هم‌روزگار آنان مجال انعکاس یافته، مساعدت می‌نماید.

روش تصحیح کتاب

برای من که در صدد آماده ساختن چاپ این متن برآمده‌ام، ضرورت داشت که تمام متن‌هایی که مورخان بعد از ابن الطویر بدو نسبت داده‌اند، نیز متن‌هایی که گمان می‌یرم از ابن الطویر نقل شده‌اند و در بسیاری از موارد مورخان متأخر نام‌های نویسنده‌گانی را که از آنان نقل کرده‌اند به فراموشی سپرده‌اند (نظیر کاری که مقریزی در «اتعاظ الحنفا» و «المقفی» و ابن الفرات در پاره‌ای از مواضع انجام داده‌اند) گرد آورم. سپس این پاره‌ها و مقولات را بر طبق سه موضوع اصلی که گمان می‌یرم تاریخ ابن الطویر مشتمل بر آنهاست، یعنی تاریخ، آیین‌ها و رسوم، تقسیم‌بندی کردم. بخش عمده ماده تاریخی متن که معلومات تازه‌ای در باب تاریخ فاطمیان در سده ششم / دوازدهم ارائه می‌کند، تماماً منتشر نشده است. این بخش را از «تاریخ الدول والملوک» ابن الفرات (این کتاب و جزء بیست و ششم از دست‌نوشته «نهایة الارب» نویری و نیز دست‌نوشته «المقفی الکبیر» مقریزی آگهی‌های تازه‌ای درباره فاطمیان عرضه می‌دارند) نقل کردم، و برایم روشن شد که مقریزی در جزء سوم «اتعاظ الحنفا» تا حدی بر آن اعتماد کرده است؛ اگر چه صراحتاً به ابن الطویر جز در یکجا اشاره‌ای نکرده است.^{۲۵} همچنین مقریزی فقرات کاملی در المقفی الکبیر از ابن الطویر می‌آورد، بی‌آن که اشاره‌ای به مأخذش بنماید (چه در نسخه سلیمیه یا نسخه پاریس یا نسخه لیدن که همدیگر را تکمیل می‌کنند و دو نسخه اخیر به خط مقریزی است). اما ابوالمحاسن (ابن تغری بردی) در «النجوم الزاهرة» پاره‌های مطولی را از متن ابن الطویر نقل می‌نماید. حال آنکه ابن خلدون آنچه را از ابن الطویر نقل می‌کند، چنان تلخیص می‌کند که موجب اختلال به معنی می‌گردد.

در آنچه از تاریخ ابن الفرات نقل کرده‌ام، اعتمادم بر نسخه کتابخانه وین به شماره ۸۱۴ بوده است^{۲۶} که تک نسخه و به خط خود مؤلف است در نه مجلد و رخدادهای سال‌های ۵۰۱ تا

۷۹۹ را دربر می‌گیرد و بعد از مجلد پنجم افتادگی مهمی وجود دارد که موجب شده مطالب مربوط به رخدادهای سال‌های ۶۲۵ تا ۶۵۹ از میان برود (به جای این بخش از مجلد موجود در کتابخانه واتیکان به شماره ۷۲۶ که گمان می‌رود قسمتی از مجلد ساقط شده از دست‌نوشته وین باشد می‌توان استفاده کرد).^{۲۶} افتادگی دیگر آن پس از مجلد هشتم است که موجب از میان رفتن مطالب مربوط به رخدادهای سال‌های ۶۹۷ تا ۷۸۸ شده است.^{۲۷} از این کتاب مهم به جز جزء چهارم و بخشی از جزء پنجم نشر نشده است.^{۲۸}

25. Flügel, G., Die arabischen, persischen und türkischen Handschriften der Kaiserlich Königlichen Hofbibliothek zu wien, wien 1865-67, Ba-II, p.46-49.

از این دست‌نوشته یک چاپ عکسی در کتابخانه تیموری به شماره ۲۱۱۰، و یکی در دارالکتب المصریه به شماره ۳۱۹۷، و یک میکروفیلم در معهد المخطوطات العربیه قاهره به شماره ۱۱۴ و ۹۵۴ وجود دارد.

۲۶. لسترینج این جلد را در مقاله‌ای مورد بررسی قرار داده است با این مشخصات: Le Strange, G., "The Story of the Death of the last Abbasid Caliph, from the Vatican Ms. of Ibn al-Furât", JRAS (1900), pp.293-300.

۲۷. جلدهای ساقط شده دست‌نوشته وین در کتابخانه ملی پاریس به شماره‌های ۱۵۹۵، ۵۹۹۰ و موزه بریتانیا به شماره ۳۰۰۷ وجود دارد. پرفسور کلود کاهن برای شناخت منابع نخستین بخش‌های تاریخ ابن الفرات نسبت به مقطع زمانی سال ۵۰۱ تا ۶۲۴، دست به بررسی آن زده است و نتایج مهمی فراچنگ آورده است. ر. ک.

Cahen, CI., Quelques chroniques anciennes pp.10-14, 17-22; id., Paris 1940, pp.55-57; id., CR de L'Académie des Inscription et des Belles lettres (1935), pp.253-269; id., EI2., art. Ibn al-Furât, p.792.

که اغلب آنها هم از مورخ شیعی مذهب ابن طی‌آست به عنوان مأخذ ابن الفرات. نسبت به مقطع بعدی ر. ک.

Ashtor, E., "Some unpublished sources for the Bahri period", studies in Islamic History and Civilization. Edited by Uried Heyd, ("Scripta Hierosolymitana". Vol. IX). Jerusalem: Hebrew University 1961, pp.14-15; Little, D.P., An Introduction to Mamluk Historiography, Wiesbaden, 1970, pp.73-75.

و احمد الشامی، دراسة فی مخطوط تاریخ الدول والملوک لابن الفرات، القاهرة، ۱۹۸۳ که از مطالعات قبلی مطلع نبوده است.

۲۸. حسن الشماخ آن را در دو جلد در سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۹ در بصره منتشر ساخته است و جلد اول از جزء پنجم را در سال ۱۹۷۰. این چاپ به سبب وجود اغلاط و تصحیف و افتادگی قابل اعتماد نیست. مصحح از پژوهش‌هایی که در بانوشته قبلی یاد شد، مطلع نبوده است، در حالی که رجوع بدان‌ها می‌توانست بسیاری از ابهامات و اشتباهاتش را رفع کند. طرفه این که مصحح به کار ادب اشتغال دارد و بر آن بوده است که مواد ادبی تاریخ ابن الفرات را استخراج کند، حال آن که به ماده تاریخی کتاب که اساس آن است، توجهی مبذول نداشته است.

و جزء‌های هفتم تا نهم ۲۹ با رخدادهای سال ۵۶۳ آغاز می‌شود و تا پایان کتاب ادامه می‌یابد.

اما پاره‌هایی از متن که مربوط می‌شوند به آیین‌ها و رسوم، توسط مقریزی در «خطط» به طور کامل نقل شده و قلمشندی هم با مقداری تصرفات آنها را در «صبح الاعشی» و ابوالمحاسن (ابن تغری بردی) در «النجوم الزاهرة» آورده‌اند. در اینجا من به کتاب «خطط» مقید بوده‌ام و به اختلافات موجود میان آن و «النجوم الزاهرة» و «صبح الاعشی» در حاشیه اشاره کرده‌ام.

کتاب «خطط» یا «المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار» مقریزی بیش از یک سده پیش، به گونه‌ای که همواره سزاوار اعتماد کامل نیست در بولاق چاپ شد. ما نسخه اصلی‌ای که این چاپ بر اساس آن نشر شده است (نظیر دیگر کتاب‌هایی که چاپخانه قدیم بولاق در آورده است) نمی‌شناسیم. این چاپ آکنده از اغلاط و خطاها و تصحیفات و افتادگی‌ها است؛ به رغم آن که از این کتاب شمار زیادی دست‌نوشته، بالغ بر صد و هفتاد دست‌نوشته (بر اساس شمارگیری ویت) وجود دارد که اهمیت فراوان این کتاب را که به حق مهم‌ترین و کامل‌ترین کتاب در باب تاریخ و توپوگرافی مصر اسلامی است، در نزد مؤلفان و نویسندگان عرب می‌رساند. همین نکته بود که دانشمند فقید فرانسوی گاستون ویت را که از جمله آگاه‌ترین افراد به تاریخ مصر اسلامی بود، وادار کرد به شروع و پی‌افکندن یک پروژه درازمدت برای نشر این کتاب مهم با اسلوبی علمی. بدین گونه وی جزء اول کتاب را در سال ۱۹۱۱ نشر کرد، لیکن پس از انتشار جزء پنجم به سال ۱۹۲۷، در حالی که حجم صفحات منتشر شده کتاب به اندازه نیمی از جزء اول چاپ بولاق نرسیده بود، کار انتشار کتاب با توجه به فراوانی دست‌نوشته‌های آن متوقف گردید و ویت دریافت که در آوردن کتاب نیازمند همکوشی گروهی از متخصصان تاریخ مصر اسلامی است.^{۳۰}

واقعیت این است که ویت خود را در ثبت و ضبط اختلاف نسخ و اختلاف قراءات، بی‌فایده به شدت به رنج افکند؛ حال آن‌که او در رویارویی با این کمیت هول‌انگیز دست‌نوشته‌های کتاب، می‌بایست کهن‌ترین و کامل‌ترین یا آن دست‌نوشته‌ی را که واجد ویژگی خاصی بود، جهت مقابله برمی‌گزید. خاصه آنکه تفاوت میان این نسخه‌ها (به جز خطاهای فراوان نسخ) چندان فراوان نیست، اما بسیاری از خطاها و اغلاط راه‌یافته به چاپ بولاق را به صواب می‌آورد و بسیاری از افتادگی‌های موجود در جای‌جای آن را برمی‌سازد؛ زیرا دست‌نوشته‌ی که چاپ بولاق مستند به آن است از جمله دست‌نوشته‌هایی است که مبتلا به تصحیف و تحریف و افتادگی بیشتری است، اما آنچه وظیفه مرا آسان ساخت این بود که از مسوده‌ای از «خطط» آگاه شدم به خط

خود مقریزی که اینک در استامبول نگهداری می‌شود و از حیث ترتیب و روش با شکل نهایی‌ای که از «خطط» در دست است، اختلاف دارد. این دست‌نوشته بسیار ارزشمند است، از آن حیث که برای شناخت اسلوب تألیف در نزد قدامی سوادمند است.^{۳۱} مقریزی که منابع اقتباسات خود را در شکل نهایی «خطط» به کوتاهی آورده، در این مسوده به دقت ضبط کرده و متن‌های منقول را به طور کامل آورده است؛ حال آن‌که در شکل نهایی خطط که در اختیار ماست، این منقولات در میان فصول و ابواب کتاب تقسیم و توزیع شده‌اند. شیوه کار مقریزی در مسوده، به من دریافتن و ثبت پاره‌های مطولی که از ابن الطویر نقل کرده و در شکل نهایی خطط به طور پراکنده آمده است، کمک زیادی کرد؛ آنجا که متن «خطط» در شکل نهایی‌اش با متن مسوده اختلاف داشت من متن مسوده را آوردم و در حاشیه به اختلاف بین آنها اشاره کرده‌ام.

در باب پاره‌هایی از متن که در مسوده نیامده، آنها را با دو دست‌نوشته از «خطط» که به گمان من کهن‌ترین و صحیح‌ترین دست‌نوشته‌های آنند، یعنی دست‌نوشته کتابخانه مونیخ به شماره ۱۱۶ و دست‌نوشته کتابخانه لیدن به شماره ۳۷۲ مقابله کردم،^{۳۲} و در حاشیه به تفاوت میان آن دو و چاپ بولاق و نیز متن‌های منقول در «النجوم الزاهرة» و «صبح الاعشی» اشاره کرده‌ام. از طریق این نسخه‌های سه‌گانه (استامبول و مونیخ و لیدن) توانستم بسیاری از خطاها و افتادگی‌های موجود در چاپ بولاق را تصحیح و تکمیل نمایم.

نشر گاستون ویت، از کتاب ابن الطویر از دو متن بیشتر بهره‌مند نشده است که در جای خود به آنها اشاره کرده‌ایم. همه

۲۹. دانشگاه آمریکایی بیروت آن را منتشر ساخته است؛ جلد نهم در دو بخش: اولی به سال ۱۹۳۶، به تحقیق قسطنطین زریق و دومی در سال ۱۹۳۸ با همکاری نجلاء عزالدین و نیز جلد هشتم در سال ۱۹۳۹، و جلد هفتم را در سال ۱۹۴۲ به تنهایی نشر کرده است.

30. MIFAO t. XXX (1911), t. XXXIII (1913), t. XLVI (1922), t. XLIX (1923_24), t. LIII (1927).

کما این که مؤسسه فرانسوی قاهره، فهرستی برای خطط و انتصار این دقماق منتشر ساخته که به وسیله احمد عبدالمجید هریدی تهیه شده و سه بخش آن در سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۴ انتشار یافته است و در آن تمام تصحیفات موجود در چاپ بولاق وارد شده و به هر حال خدمتی بزرگ به پژوهندگان محسوب می‌شود.

۳۱. نک به مقاله نگارنده

Fu'ad Sayyid, A., "Remarques sur La Composition des Hitat de Maqriẓi d'après un manuscrit autographe", Hommage à Serge Saaneron, Le Caire, IFAO 1979, pp.231-258.

۳۲. از این کتاب میکروفیلمی در معهد المخطوطات العربیة قاهره به شماره ۱۲۷۳ موجود است.

ارجاعات من در این نشر به چاپ بولاق است، و به چاپ دیگری از خطط التفات نکرده‌ام، زیرا پژوهندگانی که تاریخ مصر و توپوگرافی آن را در طول سدهٔ اخیر مورد مطالعه قرار داده‌اند، با وجود برخورداری از عیب و نقص، به این چاپ اعتماد کرده و در حواشی شان به صفحات آن ارجاع داده‌اند.

اما دو چاپ موجود از «صبح الاعشى» از قلقشندی و «النجوم الزاهرة»^{۳۱} این تغری بردی سزوار اطمینان کامل‌اند. این دو کتاب را بخش ادبی دارالکتب المصریه در اوایل این سده تحت اشراف دانشمندان بزرگی درآورد. این دو کتاب با شماری از دست‌نوشته‌های معتبر مقابله شده‌اند. مصطلحات آنها شرح و توضیح شده و جاهای آنها مشخص و به طور کامل ضبط و فهرس دقیقی برای آنها تدارک شده است (مخصوصاً النجوم الزاهرة). با این همه هنگامی که متن منقول توسط قلقشندی و این تغری بردی با متون منقول توسط مقریزی اختلاف داشته باشند، من متن مقریزی را ثبت کرده‌ام، خاصه وقتی که در مسوده آمده باشد، زیرا نقل مقریزی کامل است در حالی که قلقشندی و این تغری بردی در ثبت این پاره‌ها دست به تصرف و اختصار می‌زنند. موارد آشکار اختلاف میان این کتاب‌ها را در حاشیه آوردم، این در مورد ضبط متن و تصحیح آن.

اما کاری که من در باب محتوای این کتاب انجام داده‌ام عبارت است از مقایسه و تطبیق رخدادهای تاریخی موجود در آن با نظایر آنها در دیگر کتاب‌های تاریخی و اشاره به اختلاف میان آنها مخصوصاً این که مقطعی که «تاریخ ابن الطویر» آن را در بر می‌گیرد، از همهٔ مقاطع تاریخ فاطمیان از حیث منابع و تفصیل حوادث پربارتر و متنوع‌تر است. به همان اندازه که منابعی که تاریخ مصر را در روزگار نخستین فاطمیان گزارش می‌کنند کم شمارند و از دایرهٔ نوشته‌های ابن زولاق و مسیحی و یحیی بن سعید انطاکی و علی بن رضوان طبیب و قضاعی و «سیرهٔ بازوری» و کتاب «الذخائر والتحف» و تألیفات ابن الصیرفی تجاوز نمی‌کنند، دورهٔ دوم خلافت فاطمی سرشار است از منابع متنوع و اسناد رسمی منعکس شده در تألیفات اسامه بن منقذ و عماره یمنی و ابن مأمون و مرتضی بن محنک و محزومی و ابن ابی طی و شریف جوانی و ابوشامه و ابن ظافر ازدی و ابن اثیر و ابن میسر؛ به علاوه تألیفات متأخری که بر این کتاب‌هایی که اغلب مفقود شده‌اند متکی‌اند، نظیر نوشته‌های ابن سعید مغربی و ابن خلکان و نویری و ابن ابیک و ابن الفرات و قلقشندی و مقریزی و ابوالمحاسن ابن تغری بردی و ابن ایاس.

اعلام کتاب را تحقیق کرده و مواضع آنها را مشخص داشته‌ام و مصطلحات موجود در آن را با استناد به منابع اصلی و مطالعات جدید توضیح و شرح کرده‌ام. حواشی کتاب را به دو بخش تقسیم کرده‌ام: بخشی برای اختلاف قراءات و تفاوت نسخ، و بخشی مخصوص تعلیقات و توضیحاتی است که در طی آن به

فراوانی به منابع و مأخذ و پژوهش‌های تخصصی احاله کرده‌ام. از آنجا که متن ابن الطویر، در ارتباط با مواکب مربوط به جشن‌ها و گردهم‌آیی‌ها و مجالس خلیفگان و توصیف سفره‌های آنان، تصویری نمونه‌وار و آرمانی عرضه می‌دارد، برای وقوف به کیفیت عملی این جشن‌ها و مراسم دست به جستجو زدم، و جز دو تن را نیافتم که این جشن‌ها و مراسم را وصف کرده باشند: مسیحی در آنچه با پنجاه سالهٔ اول تاریخ فاطمیان در مصر ارتباط پیدا می‌کند، و ابن المأمون نسبت به جشن‌ها و گردهم‌آیی‌هایی که به روزگار خلیفهٔ آمر و وزارت مأمون بطاحی در طی سال‌های ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ انجام یافته است. دولت فاطمی پس از یک وقفهٔ طولانی به سبب سیاست خودکامانهٔ وزیر افضل بن بدر جمالی، در سال ۵۱۶ برگزاری این جشن‌ها و گردهم‌آیی‌ها را بار دیگر از سر گرفت. ۳۳ ابن میسر و نویری هم در آثارشان توصیفی از مجلس وزیر و شکل و هیئتش در مراسم سلام به خلیفه آورده‌اند. ۳۴ منظور از وزیر در اینجا وزیر مأمون بطاحی است.

در خلال وصف این مواکب و مجالس، کثیری از مصطلحات نوعی نظیر تن پوش‌ها و آلات و ابزارها و خوراکی‌ها و لقب‌های کارگزاران یاد شده‌اند، به علاوهٔ شمار زیادی از جاهای قاهره و فسطاط که در مسیر رفت و آمد موکب واقع شده‌اند. با حرص و ولع تمام این مصطلحات را شرح کرده‌ام و مکان امروزی مواضع موجود در کتاب را مشخص داشته‌ام.

در باب دواوین و نظام اداری به طور کلی، و نیز وصف توپوگرافی داخلی قصر فاطمیان، متوجه شدم که حواشی را از تعلیقاتی آکنده‌ام که احیاناً تصویری ناروین از تحول این دواوین و توصیف معماری تالارهای قصر ارائه خواهد کرد. از این رو طی مقدمه‌ای با اختصاری غیر محلّ، نظام اداری فاطمیان و تحول دواوین را در عهد آنان بر اساس کتاب ابن الطویر و مستند به منابع و مأخذ معاصر یا نزدیک به روزگار فاطمیان نظیر: مسیحی و ابن الصیرفی و نابلسی و ابن مماتی و ابوصالح ازمنی و ساویرس بن مقفّع و ابن میسر به علاوهٔ قلقشندی و مقریزی، و نیز مطالعات جدید و خاصه آنچه Cl. Cahen و Gatschaik نوشته‌اند، مورد پژوهش و بررسی قرار داده‌ام. در باب معماری قاعة الذهب (تالار زرین)، جایی که مجلس منعقد می‌شد، و ایوان و سهدلاً و شبّاك، تصویر آن را از روی اوصاف ابن الطویر و غلیوم اسقف صور و مقریزی با تطبیق با ثمرات حاصل از حفریاتی که در فسطاط و موضع قصر غربی صورت گرفته تکمیل کرده‌ام.



۳۳. المقریزی، اتعاظ، ج ۳، ص ۸۳.

۳۴. ابن میسر، اخبار، ص ۹۰-۹۱؛ نویری، نهاییه، ج ۲۶، ص ۸۵-۸۶؛

المقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۴۴۲.